

The Effect of Group Forgiveness-Based Intervention on Marital Intimacy of Women Affected by Infidelity of Spouse

Pouryahya SM¹. MSc, Shirkavand F². MSc, Salimi A³. MSc, Davarniya R*. PhD, Shakarami M⁴. PhD

*Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

¹Department of Counseling, Faculty of Humanities, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

²Department of Clinical Psychology, Faculty of Humanities, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

³Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

⁴Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Abstract

Aims: Infidelity is one of the important problems in marital life which is widely seen in disturbed families and families in which partners feel that they have to get divorced. This phenomenon mainly happens for the purpose of satisfying emotional or sexual needs of the person through extramarital relationships. The present research was conducted by the aim of determining the effect of group forgiveness-based intervention on marital intimacy of women affected by infidelity of their spouse.

Materials & Methods: This semi-experimental research was conducted by pretest-posttest with control group design. The research population included all the women who visited Aram psychological and counseling center in Gorgan city in 2016 because of infidelity of spouse. Among the applicants of participation in the sessions, 30 women (15 subjects per group) were selected by purposeful sampling method, and they were assigned into experiment and control groups through random assignment method. Thompson and Walker's Marital Intimacy Scale (1983) was used for gathering the data in pretest and posttest stages. Group forgiveness-based intervention was delivered to the experiment group in nine 90-minute sessions. The control group was put on the waiting list. The data analysis was conducted by univariate covariance analysis (ANCOVA) in SPSS v20.

Findings: Findings indicated that, after the posttest, there was a significant difference in mean scores of marital intimacy between the experiment and control groups. In other words, group forgiveness-based intervention led to improvement in marital intimacy among the subjects of the intervention group compared to the control group ($p < 0.01$, $F = 9.75$).

Conclusion: Group forgiveness-based intervention creates the ground for improvement in marital intimacy in the marital relationship through reducing negative emotions, increasing positive emotions, and also creating change in the attitude and behavior of the spouse affected by infidelity towards the infidel spouse.

Keywords:

Forgiveness: [<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/mesh/?term=Forgiveness>];

Therapy: [<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/mesh/81000628>];

Marriage: [<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/mesh/68008393>];

*Corresponding Author

Tel: +9826234579600

Fax: +9826234579600

Address: Counseling Department, Psychology & Educational Sciences Faculty, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Received: 2018/Jun/10

Accepted: 2019/ Mar /16

ePublished: 2019/ May /16

تاثیر مداخله مبتنی بر بخشش به شیوه گروهی بر صمیمیت زناشویی زنان آسیب دیده از پیمان شکنی همسر

مقدمه

پیمان شکنی یکی از بدترین رویدادهایی است که در روابط عاشقانه روی می‌دهد و ثبات خانواده را به چالش می‌کشد^[1] در ریگوتاس و بارت^[2] پیمان شکنی را عبور فرد از مرز رابطه زناشویی با برقراری صمیمیت فیزیکی یا عاطفی با فردی خارج از رابطه تعریف می‌کنند. پیمان شکنی در ۲۵ تا ۵۰ درصد موارد، اولین علت طلاق زوجین می‌باشد^[3]. براساس یک مطالعه انجام شده در آمریکا مشخص شده است که ۲۱ درصد مردان و ۱۱ درصد از زنان در طول زندگی مرتکب خیانت زناشویی می‌شوند^[4]. در ایران آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد. اما بعضی پژوهش اشاره‌هایی به این موضوع داشته‌اند. به عنوان مثال بیشترین آمار قتل‌های خانوادگی که ۳۰ درصد است، به زانی مربوط می‌شود که به دلیل رابطه نامشروع و سوء ظن توسط همسران خود به قتل رسیده‌اند. از سوی دیگر، ۲۲ درصد از قتل‌های خانوادگی مربوط به قتل مردان توسط همسرانشان است که در ۴۰ درصد موارد، زنان شوهرانشان را به قتل رسانده‌اند^[5]. هاوکینز و همکاران در پژوهش خود دریافتند که پیمان شکنی زناشویی یکی از عمده ترین دلایلی است که زوجین را برای طلاق به کلینیک‌های مشاوره خانواده می‌آورد^[6]. نتایج یک نظر سنجی که توسط موسسه گالوپ در سال ۲۰۱۳ انجام شد، نشان داد ۹۱ درصد از بزرگسالان در ایالات متحده آمریکا معتقد بودند که در نظر آنها، پیمان شکنی نامشروع و از نظر اخلاقی اشتباه است^[7]. مطالعات نشان داده‌اند که شیوه پاسخ دادن مردان و زنان به انواع مختلف خیانت متفاوت است. زنان تمایل دارند که حسادت بیشتری نسبت به خیانت احساسی نشان دهند و مردان بیشتر به خیانت جنسی حسادت می‌کنند^[8].

پیمان شکنی زناشویی، همیشه موجب ضربه شدید احساسی به طرفین می‌شود. این پدیده باعث بروز نشانه‌هایی شبیه اختلال استرس پس سانحه و همچنین احساساتی مانند خشم، افسردگی، ناامیدی، عدم اعتماد به نفس، از دست دادن هویت و احساس بی ارزشی در همسری می‌شود که به او خیانت شده است^[9]. درباره علل و زمینه‌های پیمان شکنی، بر اساس نتایج تحقیقات انجام شده، نارضایتی از روابط جنسی و عاطفی، سوءظن نسبت به وفاداری همسر، تنوع طلبی، انتقام جویی از همسر بی وفا، ویژگی‌های شخصیتی، سبک دلبستگی، مذهب، سطح تحصیلات، درآمد و شغل، بلوغ جنسی و اجتماعی، خانواده اصلی، وسایل ارتباط جمعی، مسایل طبی، پول و قدرت، عوامل زمینهای، شخصیت و درک همسران از ازدواج و در نهایت عوامل پیش‌بینی کننده قبل از ازدواج، از جمله سابقه روابط جنسی رضایت بخش قبل از ازدواج جزء علل و زمینه‌های روابط فرازناشویی مطرح شده است^[10].

مشاهدات بالینی و بررسی‌های علمی نشان می‌دهند که بر ملا شدن پیمان شکنی، تأثیر مخرب، تکان دهنده و شدیدی بر زوج‌ها می‌گذارد. پیمان شکنی اعتماد موجود در رابطه و سطح صمیمیت زوج‌ها را کاهش می‌دهد^[11]. صمیمیت به تعاملی میان زوج‌ها اشاره دارد که منجر به احساس نزدیکی، عشق و توجه می‌شود^[12]. هانینگ بیان

سید مصطفی پوریحیی MSc
گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

فریده شیرکوند MSc
گروه روان شناسی بالینی، دانشکده علوم انسانی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

آرمان سلیمی MSc
گروه مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

*رضا داورنیا PhD
گروه مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

محمد شاکرمی PhD
گروه مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

اهداف: پیمان شکنی یکی از معضلات مهم در زندگی زناشویی است که امروزه در خانواده‌های آشفته و خانواده‌هایی که زن و شوهر احساس می‌کنند، باید از هم جدا شوند به فور دیده می‌شود. این پدیده اغلب به خاطر برطرف شدن نیازهای عاطفی یا جنسی فرد از طریق روابط خارج از حیطه زناشویی به وقوع می‌پیوندد. این پژوهش با هدف تعیین تاثیر مداخله مبتنی بر بخشش به شیوه گروهی بر صمیمیت زناشویی زنان آسیب دیده از پیمان شکنی همسر انجام شد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش نیمه تجربی به شیوه پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل انجام شد. جامعه پژوهش شامل زنان بودند که به دلیل پیمان شکنی همسر، به مرکز مشاوره و خدمات روانشناختی آرام در شهر گرگان در سال ۱۳۹۶ مراجعه نموده بودند. از میان متقاضیان شرکت در جلسات، ۳۰ نفر از زنان به شیوه نمونه گیری هدفمند انتخاب و با جایگزینی تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) قرار گرفتند. مقیاس صمیمیت زناشویی تامپسون و والکر (۱۹۸۳) جهت گردآوری داده‌ها در دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون مورد استفاده قرار گرفت. مداخله گروهی مبتنی بر بخشش در ۹ جلسه ۹۰ دقیقه ای برای شرکت کنندگان گروه آزمایش برگزار شد. گروه کنترل در لیست انتظار قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها با بهره گیری از آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیری (ANCOVA) در نرم افزار SPSS 20 انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان دادند بین میانگین نمرات صمیمیت زناشویی آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر مداخله مبتنی بر بخشش باعث بهبود صمیمیت زناشویی آزمودنی‌های گروه تحت مداخله در مقایسه با گروه کنترل شده بود ($F= 9/75, p < 0/01$).

نتیجه گیری: مداخله مبتنی بر بخشش با کاهش احساسات منفی و افزایش احساسات مثبت و نیز ایجاد تغییر در دیدگاه و رفتار همسر آسیب دیده از پیمان شکنی نسبت به همسر خاطی زمینه بهبود صمیمیت در رابطه زوجی را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: بخشش، درمان، ازدواج.

می‌کند که صمیمیت از عناصر چندگانه‌ای تشکیل شده است که در طول زمان رشد می‌کنند و از الگویی مرحله‌ای تبعیت می‌کنند. این الگو با صمیمیت عقلانی (گفتگو و خود افشایی) شروع می‌شود و با صمیمیت جسمانی (گرفتن دست، در آغوش کشیدن و رابطه جنسی) ادامه می‌یابد و سپس به صمیمیت عاطفی (در دسترس بودن، حمایت کردن، بیان عاطفی و حساسیت متقابل) منجر می‌شود^[13]. در واقع صمیمیت زمینه‌بنیادی را در جهت رضایت و ناراضی‌تبی فرد از زندگی موجب می‌شود، چرا که تعهد زوجین برای رابطه را استحکام می‌بخشد و به طور مثبت با سعادت و سازگاری زناشویی همراه است^[14]. با توجه به ماهیت پیچیده پیمان شکنی و تأثیرات فاجعه‌برانگیز آن بر روابط زوجین، ضروری است که مداخلات موثری برای کمک به افرادی که با این مشکل روبرو هستند، به کارگرفته شود. در تبیین و درمان زوجین درگیر با مشکل پیمان شکنی زناشویی، مدل‌های نظری مختلفی ارائه شده است. از جمله مدل‌های ارائه شده در خصوص درمان پیمان شکنی زناشویی می‌توان به درمان هیجان مدار (Emotionally Focused Therapy)، مدل بخشش درمانی (Forgiveness Therapy)، درمان شناختی-رفتاری (Cognitive-behavioral Therapy)، مدل تروماتیک (Traumatic Model)، مدل آیینی (Ritual Model) و مدل بینش‌گرا (Insight Oriented) اشاره کرد^[11]. یکی از مدل‌های درمانی که می‌تواند در درمان و کاهش مشکلات ناشی از پیمان شکنی موثر واقع گردد، مدل درمانی مبتنی بر بخشش است. بخشش یکی از فرآیندهای روان‌شناختی و ارتباطی برای افزایش سلامت روان است که در طی دو دهه اخیر به طور مشخص وارد حوزه مطالعات خانواده و خانواده درمانی شده است. آنچه اهمیت بخشش را محرز می‌سازد، ماهیت التیام بخشی آن در مداخلات درمانی است^[15,16]. بخشش فرآیندی درون فردی است که طی آن جنبه‌های شناختی، احساسی و رفتاری فرد در برابر خطا و خطاکار تغییر می‌کند. تعریفی که بیشتر مورد توافق است، عبارت است از انگیزشی که سبب کاهش کناره‌گیری، خشم و انتقام نسبت به فرد خطاکار می‌گردد و احساسات مثبت را افزایش داده و جایگزین احساسات منفی می‌نماید^[15]. گوردون و همکاران^[17] یک مدل سه مرحله‌ای از بخشش (برخورد، جستجوی چرایی و بهبودی) را برای کمک به زوج‌های آسیب دیده از پیمان شکنی بسط داده‌اند. در مرحله اول، ترومای بین فردی (پیمان شکنی) موجب شکسته شدن فرض‌های اساسی زندگی مشترک می‌شود. فرد آسیب دیده، از همسر و ارتباط با او کناره‌گیری می‌کند. در مرحله دوم گوش به زنگی (هشیاری بالا) و رفتارهای تلافی‌جویانه دیده می‌شود. اغلب نظریه‌های بخشش و تروما بیان می‌کنند که در این مرحله فرد آسیب دیده تلاش می‌کند که بفهمد که چرا آن اتفاق افتاده است. در مرحله سوم، فرد به سمت کنترل بیشتر زندگی حرکت کرده و به فراسوی حادثه می‌رود. در این مرحله فرد آسیب دیده احساسات منفی کمتری نسبت به همسرش دارد و متوجه می‌شود که خشم مداوم نسبت به همسر اثرات مخربی روی خود او دارد. او پی می‌برد که با ادامه تنبیه، به احساس برابری نخواهد رسید. وی در صورت ماندن در رابطه فرایند بخشش را طی می‌کند. پژوهش‌های بالینی و کاربردی فراوانی در خصوص تأیید

ارزشمندی درمان‌های مبتنی بر بخشش وجود دارد^[18,19]. و مطالعات رابطه بین تمایل به بخشیدن یک خطای خاص را با سطوح بالایی از سلامت جسمانی^[20]، رضایت از زندگی^[21] و سطوح پایین افسردگی^[22] نشان داده‌اند. فینچام در مطالعه خود با عنوان بررسی رابطه بین بخشش و رضایت از روابط نشان داد که بخشش به بهبود کیفیت روابط زوج‌ها می‌انجامد. این بهبود کیفیت دربرگیرنده کاهش پرخاشگری و تعارضات زناشویی است^[23]. هارگریو و سنز در مطالعه خود نشان دادند که با بخشیدن، توجه زوجین به ارزش‌ها، عقاید و حفظ روابطشان افزایش یافته و میزان انتقادگری، سرزنشگری، خشم و منفی‌گویی آنان به طور معناداری کاهش یافته است^[24]. گوردون و همکاران^[17] در یک مطالعه موردی به بررسی تأثیر بخشش به عنوان مداخله درمانی بر بهبود روابط زناشویی شش زوجی که پیمان شکنی را تجربه کرده بودند، پرداختند. نتایج نشان داد که زوج‌ها به طور معناداری هیجان‌ات و آشفتگی زناشویی کمتر و سطح بالایی از بخشش را در ارتباط با پیمان شکنی همسرشان نشان دادند. المستید و همکاران^[25] در یک پژوهش کیفی به زوج‌های درگیر در روابط فرا زناشویی در جهت بخشش پیمان شکنی کمک کردند. ده زوج به شیوه نمونه‌گیری داوطلب در این درمان شرکت داشتند. نتایج پژوهش از اثربخش بودن بخشش درمانی پیمان شکنی حکایت داشت. در جامعه ایرانی به دلیل مسائل فرهنگی، پیمان شکنی علت ضروری و اصلی نیست که یکی از همسران، چه همسری که پیمان شکنی کرده و چه همسری که مورد پیمان شکنی واقع شده، بخواهد طلاق بگیرد. اغلب آنچه هر دوی آنها خواهانش هستند، فرار از درد و رنج حاصل از اشتباهات شان و بازگشت وضعیت به حالت عادی است^[26]. پدیده رنج آور و آسیب‌زای پیمان شکنی همیشه و در همه جا مانند گیاهی هرز در کنار درخت ریشه دار و پر بار ازدواج می‌روید و لحظاتی گذرا به عمر کوتاه و شوم خود ادامه می‌دهد. پیمان شکنی از مسائل دردناکی است که در سال‌های اخیر، روزنامه‌ها و بیش از آنها، مراجع انتظامی و قضایی ایران نیز از خشونت‌های برآمده از پیمان شکنی همسران سخن می‌گویند و بی آنکه به تحلیل زمینه‌ها، نشانه‌ها و پیامدهای این رفتار ضداخلاق و قانون بپردازند، از کنار آن می‌گذرند. ارزش‌ها، اصول و قوانین حاکم بر جوامع انسانی براساس نیازی به اسم "امنیت" به وجود آمده، رشد می‌کنند، تغییر و تعدیل می‌یابند و طبعاً اگر جویگویی این نیاز نباشند، خود به خود رنگ باخته و از میان می‌روند. حال اگر در اعتماد و احساس امنیت زوج‌ها شکافی به وجود آید، زندگی پویایی و نشاط خود را از دست داده و باعث زخم خوردگی در یکی از زوج‌ها و شاید هر دوی آنها شود^[11]. با توجه به اینکه پیمان شکنی یکی از پدیده‌هایی است که زندگی زناشویی و سیستم زوجی را به شدت تحت تأثیر اثرات مخرب خود قرار می‌دهد و در صورت عدم چاره‌اندیشی و درمان به موقع آن زمینه را برای طلاق رسمی زوجین را آماده می‌کند، لذا انجام مداخلات درمانی جهت بررسی و درمان به موقع آن ضروری به نظر می‌رسد. با عنایت به اینکه پژوهش‌های مداخله‌ای در کشور ما در رابطه با درمان پیمان شکنی محدود می‌باشد و مدل مبتنی بر بخشش که در این پژوهش معرفی گردید، نیز کمتر مورد مطالعه قرار گرفته و با توجه به اینکه در جستجوهای انجام شده

توسط محقق، پژوهشی که به بررسی تاثیر مدل مداخله‌ای مبتنی بر بخشش بر بهبود صمیمیت زنان مواجهه شده با خیانت همسر پرداخته باشد، مشاهده نگردید، لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر مداخله مبتنی بر بخشش بر صمیمیت زناشویی زنان آسیب دیده از پیمان شکنی همسر انجام شد.

مواد و روش‌ها

این مطالعه یک پژوهش نیمه تجربی بود که به شیوه پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل انجام شد. جامعه آماری این مطالعه را زنانی تشکیل دادند که به دلیل پیمان شکنی همسر به مرکز مشاوره و خدمات روان شناختی آرام در شهر گرگان در سال ۱۳۹۶ مراجعه نموده بودند. شیوه اجرای مطالعه بدین صورت بود که پس از انجام هماهنگی با مدیریت مرکز آرام جهت اجرایی نمودن مطالعه و هماهنگی با چندین مرکز مشاوره خانواده دیگر در شهر گرگان جهت ارجاع موارد پیمان شکنی به مرکز آرام، ۴۴ زن با مشکل پیمان شکنی خواستار شرکت در جلسات درمانی شدند. سپس یک مصاحبه مقدماتی توسط مشاور خانواده با هر یک از زنان داوطلب شرکت در جلسات به عمل آمد. این مصاحبه با توجه به اصول نظری بخشش در پیمان شکنی و مصون ماندن از انتقاد وارده بر بخشش مبنی بر اینکه بخشودن به دلایل غلطی چون حفظ روابط مخرب به اندازه عدم بخشش، مخرب است، صورت گرفت. سپس بر اساس مصاحبه اولیه و ملاک‌های ورود و خروج به پژوهش، از میان داوطلبان، ۳۰ نفر از زنان به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و با جایگزینی تصادفی در گروه‌های آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) جایگزین شدند. با توجه به اینکه در مطالعات مداخله‌ای، حجم نمونه برای هر یک از گروه‌ها، ۱۵ تا ۲۰ نفر توصیه می‌شود، حجم نمونه در این پژوهش برای هر یک از گروه‌ها ۱۵ نفر تعیین شد. ملاک‌های ورود افراد به مطالعه عبارت بودند از: زنانی که حداقل دارای تحصیلات سیکل بودند، زنانی که ارتباط همسر پیمان شکن شان با شخص سوم تمام شده بود و همسرشان در پی جبران بوده، اما به دلیل خشم و رنجش حاصل از موضوع پیمان شکنی قادر به برقراری و بازسازی مجدد رابطه نبودند، زنانی که حداقل یک سال سابقه زندگی مشترک داشتند، زنانی که فرم رضایت نامه درمان را تکمیل کرده بودند و زنانی که به دلیل مساله پیمان شکنی همسرشان متقاضی طلاق نبودند. ملاک‌های خروج افراد از پژوهش نیز عبارت بودند از: زنانی که به دلیل پیمان شکنی همسرشان طلاق گرفته بودند، زنانی که ارتباط همسر پیمان شکن شان با شخص سوم منجر به ازدواج موقت یا دائم شده بود، زنانی که همسرشان پیمان شکنی‌های متعددی داشته و زنانی که سابقه بستری در بیمارستان‌های روانپزشکی داشتند و مواد مخدر یا الکل مصرف می‌کردند. در این مطالعه مفاد مطرح شده در بیانیه هلسینکی رعایت گردید که از جمله آنها می‌توان به توضیح اهداف پژوهش و کسب رضایت آگاهانه از واحدهای مورد مطالعه، اختیاری بودن شرکت در پژوهش، حق خروج از مطالعه، بدون ضرر بودن مداخله، پاسخ به سؤالات و در اختیار قرار دادن نتایج در صورت تمایل اشاره کرد [27]. پس از جایگزینی شرکت کنندگان در گروه‌های آزمایش و کنترل، آزمودنیها به پرسشنامه صمیمیت زناشویی تامپسون و ولکر پاسخ دادند. سپس جلسات مداخله بخشش محور برای

تاثیر مداخله مبتنی بر بخشش به شیوه گروهی بر صمیمیت زناشویی زنان آسیب شرکت کنندگان گروه آزمایش در ۹ جلسه یک ساعت و نیمه به شیوه گروهی و هفتگی برگزار شد، اما اعضای گروه کنترل تا پایان پژوهش مداخله‌ای دریافت نمودند. پس از اتمام جلسات درمان، مجدداً دو گروه توسط پرسشنامه پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفتند. پس از پایان مرحله پس آزمون، پژوهشگر جهت رعایت مسایل اخلاقی در پژوهش، جلسات درمان مبتنی بر بخشش را برای آزمودنی‌های گروه کنترل نیز برگزار نمود. پکیج جلسات درمانی نیز برگرفته از مدل بخشش درمانی کیسی [28] می‌باشد که مختصری از آن در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱) خلاصه‌ای از محتوای جلسات مداخله مبتنی بر بخشش

جلسات	شرح جلسات
اول	اجرای پیش آزمون- آشنایی درمانگر و اعضای گروه با یکدیگر، گفتگو درباره هدف تشکیل جلسات و ساخت کلی آن، بررسی انتظارات از برنامه درمانی.
دوم	افشاسازی و تشخیص و تصدیق بی‌عدالتی‌ها (در این جلسه اعضای گروه به سمت تشخیص و تصدیق اینکه چگونه از جانب پیمان شکنی همسر خود متحمل آسیب شده اند، هدایت شدند. در واقع هر عضو گروه داستان پیمان شکنی همسر خود را روایت کرد).
سوم	مشخص شدن دفاع‌های روان شناختی فرد در برابر این رویداد (در این جلسه به اعضای گروه کمک شد تا با احساس خشم و اندوه عمیق خود در برابر این موقعیت مواجه شوند. این هدف از طریق پرسیدن سؤالاتی از این قبیل میسر شد: آیا بین همسر و فرد سوم رابطه عاطفی برقرار بوده؟ کجا و چگونه پیمان شکنی صورت گرفته؟ در زمان‌های غیاب همسر، شما در چه وضعیتی بودید؟ در این جلسه اعضای گروه تا میزان زیادی از جانب یکدیگر همدلی و هم‌فهمی را دریافت کردند).
چهارم	کنار آمدن با احساسات آسیب و خشم (در این جلسه اعضای گروه در جهت تخلیه هیجانات به شیوه‌های غیرمخرب (مانند نوشتن یک نامه و پراشش نشده خطاب به همسر و سپس از بین بردن آن)، و نیز تعدیل هیجانات شدید ترغیب شدند. نوشتن نامه باعث شد از حالت روان شناختی بحران خارج شوند و به احساسات خود در این رابطه بپردازند).
پنجم	تصدیق بی‌نیجه بودن راهکارهای قدیمی: اکنون چه باید کرد؟ (در این جلسه راهبردهای قدیمی اعضای گروه مرور شد و اعضا با این واقعیت مواجه شدند که از طریق روش‌های کهنه خود نمی‌توانند با این موقعیت به گونه‌ای مؤثر برخورد نمایند. در نهایت اعضا به سمت یافتن راهکارهای جدید هدایت شدند).
ششم	فراهم نمودن زمینه بخشودگی: تشخیص نقش خود در تصویر بزرگنمایی شده از رفتارهای مخرب در رابطه (در این جلسه از اعضا خواسته شد که نقش خود را در وقوع این بحران بررسی کنند. در این باره که چقدر خود را در وقوع پیمان شکنی همسر مقصر می‌دانند و اینکه آیا می‌توانند با همسر خاطی خود همدلی کنند، تفکر و تعمق کردند).
هفتم	کسب بینش جدید نسبت به همسر پیمان شکن و مشکل پیمان شکنی (در این جلسه مشکل، چارچوب دهی مجدد شد و مشکل همسر پیمان شکن در زمینه و متن زندگی زناشویی مورد توجه قرار گرفت. در نهایت در دیدگاه و رفتار اعضای گروه نسبت به همسر خاطی تغییر ایجاد شد).
هشتم	انتخاب بخشودگی به عنوان یک گزینه جدید (در این جلسه با اعضای گروه درباره مفهوم بخشودگی و نیاز به آن در زندگی روزمره صحبت شد. اعضای گروه بخشودگی را به عنوان یک راه حل جدید در نظر گرفتند. اعضای گروه به این واقعیت پی بردند که می‌توانند هیجانات منفی خود را کاهش دهند و بدین ترتیب هیجانات مثبت تری را تجربه کنند. اعضای گروه با به فراموشی سپردن و خلاص شدن از احساس‌های تند نسبت به وقایع قبلی و آزاد کردن نیروهای که زمانی برای آزردگی، مرارت و مراقبت از زخم‌های عاطفی التیام نیافته صرف می‌شد؛ توانستند اهداف جدیدی برای زندگی خود خلق کنند و تا حدودی آرامش از دست رفته را اعاده کنند).
نهم	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و پاسخگویی به سؤالات اعضا و ارزیابی کل جلسات، تشکر و قدردانی از اعضا جهت شرکت در جلسات، اجرای پس آزمون.

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از مقیاس صمیمیت زناشویی استفاده شد. این مقیاس توسط تامپسون و ولکر ساخته شده که ۱۷ سؤال دارد و برای سنجیدن میزان صمیمیت زوج‌ها تنظیم شده است. دامنه نمرات هر سوال بین ۱ (هرگز) تا ۷ (همیشه) تغییر می‌کند که نمره بالاتر نشانه صمیمیت بیشتر است. این مقیاس با ضریب آلفای ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ از همسانی درونی خوبی برخوردار است. نمره آزمودنی از طریق جمع نمرات سوال‌ها و تقسیم آن بر عدد ۱۷ حاصل می‌شود [12]. در پژوهش اعتمادی و همکاران پرسشنامه بر روی ۱۰۰ زن و شوهر در شهر اصفهان که به

صورت تصادفی انتخاب شده بودند، اجرا و ضریب اعتبار کل مقیاس با روش آلفای کرونباخ $0/96$ به دست آمد که حاکی از اعتبار قابل قبول پرسشنامه است. محاسبه ضریب اعتبار با حذف تک تک سؤالات نیز نشان داد که حذف هیچ یک از سؤالات تأثیر محسوسی در ضریب اعتبار ندارد^[12]. در این مطالعه نیز میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه $0/77$ بدست آمد. در این مطالعه داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS 20 در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت که در آن متناسب با سطح سنجش متغیرها از آمارهای توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (تحلیل کوواریانس تک متغیری) استفاده شد.

یافته‌ها

براساس یافته‌های پژوهش میانگین و انحراف استاندارد سنی گروه آزمایش $5/18 \pm 36/66$ سال و برای گروه کنترل $4/45 \pm 37/20$ سال بود. همچنین میانگین و انحراف استاندارد مدت تاهل گروه آزمایش $3/12 \pm 8/35$ و گروه کنترل $4/02 \pm 8/67$ بود. در گروه آزمایش 6 نفر بدون فرزند، 5 نفر دارای یک فرزند و 4 نفر نیز دارای دو فرزند بودند و در گروه کنترل 5 نفر بدون فرزند، 6 نفر دارای یک فرزند و 4 نفر نیز دارای دو فرزند بودند. در مورد تحصیلات نیز در گروه آزمایش دو نفر سیکل، پنج نفر دیپلمه و هشت نفر نیز با تحصیلات کارشناسی حضور داشتند و در گروه کنترل دو نفر سیکل، شش نفر دیپلمه، شش نفر کارشناسی و یک نفر با تحصیلات کارشناسی ارشد حضور داشتند. یافته‌های پژوهش در مورد میانگین و انحراف استاندارد متغیر صمیمیت زناشویی نشان داد که میانگین و انحراف استاندارد این متغیر برای گروه آزمایش در مرحله پیش آزمون $18/1 \pm 45/4$ بوده است که در پس آزمون به $18/18 \pm 58/66$ تغییر یافته است و برای گروه کنترل در مرحله پیش آزمون $16/5 \pm 42/53$ بوده است که در پس آزمون به $16/42 \pm 44/4$ تغییر داشته است. ملاحظه می‌گردد بین نمرات پیش آزمون و پس آزمون تغییراتی وجود دارد که بررسی معناداری این تغییرات با استفاده از تحلیل کوواریانس تک متغیری صورت گرفت.

آزمون تحلیل کوواریانس دارای پیش فرض‌های نرمال بودن توزیع نمرات، همگن بودن واریانس‌ها و همگنی شیب رگرسیون می‌باشد که بررسی پیشفرض نرمال بودن با استفاده از آزمون شاپیرو-ویلک انجام شد و از آنجایی که مقادیر این آزمون برای گروه آزمایش ($0/92$) و کنترل ($0/94$) معنادار نبودند ($p > 0/05$) بنابراین توزیع نمرات دو گروه نرمال بود و این پیشفرض رعایت گردید. بررسی همگن بودن واریانس‌ها با استفاده از آزمون لوین صورت گرفت که نتایج این آزمون نشان داد واریانس‌های دو گروه همگن می‌باشد ($F = 2/57$ ، $p > 0/05$) و این پیشفرض رعایت شده است. برای بررسی پیشفرض همگنی شیب رگرسیون نیز تعامل بین گروه و نمرات پیش آزمون بررسی شد و نتایج نشان داد این پیشفرض رعایت شده است ($F = 0/67$ ، $p > 0/05$). شایان ذکر است سطح معناداری در بررسی پیش فرض‌ها $0/05$ و در بررسی آزمون تحلیل کوواریانس $0/01$ در نظر گرفته شده است. با توجه به برقرار بودن مفروضه‌های آزمون تحلیل کوواریانس، نتایج این آزمون نشان داد با تعدیل اثر پیش آزمون بین پس آزمون‌های گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنادار وجود دارد

بحث

در این پژوهش به بررسی تأثیر مداخله مبتنی بر بخشش بر صمیمیت زناشویی زنان آسیب دیده از پیمان شکنی همسر پرداخته شد. یافته‌ها نشان داد بین زنانی که مداخله درمانی را دریافت کرده بودند و زنانی که مداخله را دریافت نکرده بودند، از نظر میزان صمیمیت زناشویی تفاوت معناداری وجود داشت. به عبارت دیگر رویکرد درمانی مبتنی بر بخشش باعث بهبود صمیمیت زناشویی زنان گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل شده بود. مطالعه ای که نتایج آن به صورت مستقیم در راستای یافته‌های این پژوهش باشد، مشاهده نشد، اما نتایج این پژوهش با یافته‌های برخی مطالعات پیشین همسو می‌باشد. گوردون و همکاران در پژوهش خود نشان دادند که مداخله درمانی مبتنی بر بخشش بر بهبود روابط زناشویی زوجهای پیمان شکن موثر بوده است^[17]. هارگریو و سلز در مطالعه خود نشان دادند که با بخشیدن، توجه زوجین به ارزش‌ها، عقاید و حفظ روابطشان افزایش یافته و میزان انتقادگری، سرزنشگری، خشم و منفی‌گویی آنان به طور معناداری کاهش یافته است^[19]. هریس و همکاران اثربخشی مداخله گروهی بخشش را بر بخشش، استرس‌های دریافتی و خشم خصیصه ای مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که پس از شش هفته مداخله، افکار و احساسات منفی گروه آزمایش دربارهی رنجش 2 تا 3 برابر کمتر از گروه گواه بوده و افزایش معناداری در افکار و احساسات مثبت نسبت به خطاکار ایجاد شده بود^[29]. همچنین یافته‌های حاصل از این مطالعه مبنی بر اثربخشی رویکرد بخشش محور همسو و در تایید نتایج مطالعات /مستید و همکاران^[25]، ریپلی و ورتینگتون^[30]، بهاری و همکاران^[31] و قمری گیوی و همکاران^[32] می‌باشد.

در تبیین نتایج بدست آمده می‌توان گفت، به نظر استفانو و اولو^[3] در ابتدا مقاومت قابل توجهی در بخشودن همسر پیمان شکن وجود دارد، زیرا بخشایش به طور ضمنی به این نکته اشاره دارد که شخص خیانتکار از مجازات معاف می‌شود. ممکن است تصور همسر زخم خورده این باشد که "بخشایش معادل است با صلح و آشتی"، در حالی که تفاوت و تمایز آشکاری بین بخشش و صلح و آشتی وجود دارد. آشتی و مصالحه یک فرایند بین فردی است که احساس اعتماد زوج‌ها مجدداً بازسازی می‌شود ولی بخشایش، فرایندی درون فردی است که همسر آسیب دیده، خود را از تأثیر انتقام جویی رها می‌سازد. تصحیح این برداشت غلط ممکن است فرایند بخشش را تسریع بخشد^[14]. طبق تعریف ورتینگتون نابخشودگی ترکیبی از هیجانات منفی از قبیل انزجار، تلخ‌گامی، نفرت، خصومت و خشم است. به نظر لانوسکی در دوره بزرگسالی نگهداری کینه به جداسازی ارتباطی فرد منجر می‌شود. به این معنی که دو نوع رابطه متناقض، به طور همزمان با یک فرد ایجاد می‌شود. یکی از این رابطه‌ها واقعیت اخلاقی اجتماعی را در بر می‌گیرد و دیگری خیالات انتقام جویی

توجه قرار گیرد. خود گزارشی بودن ابزار مورد استفاده و عدم وجود مرحله پیگیری از محدودیت‌های مطالعه حاضر است. این پژوهش فقط بر روی زنان صورت گرفت که خود می‌تواند یکی از محدودیت‌های پژوهش باشد و انجام پژوهش بر روی مردان با این ویژگی‌ها در مطالعات آتی می‌تواند کمک کننده باشد. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی جهت تعیین دقیق تر اثرات درمانی رویکرد بخشش درمانی، مرحله پیگیری نیز گنجانده شود و نتایج آنها با نتایج این پژوهش مقایسه شود. پیشنهاد می‌گردد که محققین تأثیر این مدل درمانی را بر سایر متغیرهای زناشویی مورد بررسی قرار داده و همچنین در قالب طرح‌های پژوهشی موردی، فرایندهای مختلف درمان را مورد بررسی قرار دهند.

نتیجه گیری

با توجه به نتایج این مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که مداخله مبتنی بر بخشش می‌تواند به عنوان یک گزینه درمانی مناسب جهت کاهش مشکلات زناشویی و بهبود کیفیت روابط زناشویی زوجین سودمند باشد.

تشکر و قدردانی: گروه پژوهش مراتب تقدیر و تشکر خود را از مدیریت محترم مرکز مشاوره آرام سرکار خانم دکتر نازنین خواجه و تمامی زنانی که صمیمانه محققین را یاری نمودند، اعلام می‌دارند.

تأییدیه اخلاقی: در پژوهش حاضر تمام موازین اخلاقی حاکم بر یک پژوهش از جمله کسب رضایت آگاهانه و محرمانه ماندن اطلاعات به طور کامل رعایت گردید.

تعارض منافع: هیچ گونه تعارض منافعی بین نویسندگان وجود ندارد.

منابع مالی: مطالعه حاضر بدون حمایت مالی انجام شده است.

سهام نویسندگان: سید مصطفی پوربیحی (نویسنده اول)، نگارنده مقاله / پژوهشگر اصلی، اجرای مداخله درمانی، ویرایش مقاله (۳۰٪)، فریده شیرکوند (نویسنده دوم)، نگارنده مقدمه و بحث، پژوهشگر کمکی، ویرایش مقاله (۲۰٪)، آرمان سلیمی (نویسنده سوم)، نگارنده مقدمه و بحث، روش شناس، ویرایش مقاله (۲۰٪)، رضا داورنیا (نویسنده چهارم)، پژوهشگر کمکی، روش شناس، ویرایش مقاله (۱۵٪)، محمد شاکرمی (نویسنده پنجم)، پژوهشگر کمکی، تحلیل گر آماری، ویرایش مقاله (۱۵٪).

منابع

- 1- Previti D, Amato PR. Is infidelity a cause or a consequence of poor marital quality? J Soc Pers Relatsh. 2004; 21(2): 217-30.
- 2- Drigotas SM, Barta W. The cheating heart: Scientific exploration of infidelity. Curr Dir Psychol Sci. 2001; 10(5):177-80.
- 3- Mark KP, Janssen E, Milhausen RR. Infidelity in heterosexual couples: demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. Arch Sex Behav. 2011; 40(5): 971-82.

را شامل می‌شود. به عبارت دیگر در یکی از این رابطه‌ها فرد به طور واقعی رابطه برقرار می‌کند، اما در عین حال در ضمیر ناخود آگاه خود به رابطه توأم با استرس انتقام جویانه می‌اندیشد و این رابطه انتقام جویانه است که غلبه پیدا می‌کند. بخشش به یکپارچه سازی این دو تصویر متناقض کمک می‌کند. چرا که بخشش، به عنوان یک فرآیند انطباقی هیجان محور از سرکوبی خشم جلوگیری می‌کند و به رها سازی هیجانات منفی منجر می‌شود^[33]. بخشش با کاهش احساسات منفی و افزایش احساسات مثبت، می‌تواند تغییراتی را در حوزه میان فردی ایجاد کند. چرا که بخشش به عنوان تغییر میان فردی و اجتماعی مثبت در مقابل خطایی که در حوزه میان فردی قرار دارد، نیز تعریف شده است. از طرفی در دیدگاه یکپارچه گوردون و همکاران پیمان شکنی به عنوان یک ضربه روانی بین فردی مفهوم سازی می‌شود. از این رو می‌توان انتظار داشت که بخشش موجب افزایش رضایت زناشویی شود. افرادی که قادر به بخشش همسر خود هستند؛ اعتقاد بر تقدس رابطه زناشویی خود دارند و این توانایی بخشش همسر به استحکام رابطه زناشویی و افزایش رضایت زناشویی می‌انجامد^[11].

در تبیین نتایج می‌توان اضافه کرد که طبق مدل بخشش درمانی کیس در مرحله "مشخص شدن دفاعیات روانشناختی فرد در برابر این رویداد"، همسر زخم خورده با احساس خشم و اندوه عمیق خود در برابر این موقعیت مواجه می‌شود. بخشش به شرکت کنندگان می‌آموزد تا به منبع استرس روی آورند و با آزاد ساختن خشم به شیوه‌ای سازنده، دیدن حادثه رنجش از دید فرد خاطی، بررسی دلایل وقوع رنجش، بررسی سهم خود فرد در وقوع رنجش، تغییرات هیجانی، شناختی و رفتاری را در خود به وجود آورند. در مدل کیس در مرحله "تشخیص نقش خود در تصویر بزرگنمایی شده از رفتارهای مخرب در رابطه"، همسر زخم خورده بر روی زمینه ای که در آن رابطه نامشروع اتفاق افتاده است، تمرکز می‌کند، که این حرکت از محتوا به سمت فرآیند اغلب می‌تواند در فرآیند مصالحه یاری رسان باشد. در واقع همسر زخم خورده نقش خود را در وقوع این بحران بررسی می‌کند و در این باره که چقدر خود را در وقوع پیمان شکنی همسر مقصر می‌داند، به تفکر و واری می‌پردازد. این امر به نوبه خود منجر به کسب بینش جدید نسبت به همسر پیمان شکن و مشکل پیمان شکنی می‌شود. در نهایت در دیدگاه و رفتار همسر زخم خورده نسبت به همسر خاطی تغییر ایجاد می‌شود. این مرحله تا جایی که خشم و نفرت جای خود را به شفقت و خیرخواهی برای فرد دیگر می‌دهد، ادامه می‌یابد. کاهش نگرش منفی نسبت به همسر به اعاده اعتماد در رابطه کمک می‌کند^[28]. نهایتاً اینکه باورهای ارتباطی نقش بسیار مهمی در رضایت و عدم رضایت از زندگی و افزایش صمیمیت زناشویی دارد. این بدان معنی است که تغییر این باورها می‌تواند زمینه ساز تداوم زندگی مشترک زوج‌ها باشد. در مجموع حضور شرکت کنندگان در جلسات درمانی باعث شد تا با بخشش پیمان شکنی همسرشان و رهایی از احساسات خشم، تنفر و کینه، احساسات منفی خود را کاهش دهند و با کاهش عواطف و احساسات منفی، صمیمیت آنها نسبت به همسرشان بهبود یابد. این پژوهش دارای محدودیت‌هایی بود که باید در تعمیم نتایج مورد

- married men. *Quarterly Journal of Social Work*. 2016; 5 (4); 5-12.
- 16- Macaskill A. Defining forgiveness: Christian clergy and general population perspectives. *J Pers*. 2005; 73(5):1237-65.
- 17- Gordon KC, Baucom DH, Snyder DK. An integrative intervention for promoting recovery from extramarital affairs. *J Marital Fam Ther*. 2004; 30(2):213-31.
- 18- Reed GL, Enright RD. The effects of forgiveness therapy on depression, anxiety, and posttraumatic stress for women after spousal emotional abuse. *J Consult Clin Psychol*. 2006; 74(5):920-9.
- 19- Wade NG, Bailey DC, Shaffer P. Helping clients heal: Does forgiveness make a difference? *Prof Psychol Res Pract*. 2005;36(6):634-41.
- 20- Worthington EL, Scherer M. Forgiveness is an emotion-focused coping strategy that can reduce health risks and promote health resilience: Theory, review, and hypotheses. *Psychol Health*. 2004;19 (3):385-405.
- 21- Bono G, McCullough ME, Root LM. Forgiveness, feeling connected to others, and well-being: two longitudinal studies. *Pers Soc Psychol Bull*. 2008;34(2):182-95.
- 22- Chung MS. Relation between lack of forgiveness and depression: The moderating effect of self-compassion. *Psychol Rep*. 2016; 119(3):573-85.
- 23- Fincham FD. The kiss of the porcupines: From attributing responsibility to forgiving. *Personal Relationships*. 2000; 7(1):1-23.
- 24- Hargrave TD, Sells JN. The development of a forgiveness scale. *J Marital Fam Ther*. 1997; 23(1):41-63.
- 25- Olmstead SB, Blick R, Mills LI. Helping couples work toward the forgiveness of marital infidelity: Therapists' perspectives. *Am J Fam Ther*. 2009; 37(1):48-66.
- 26- MomeniJavid M, Shoaakazemi M. The study of couple psychotherapy on recovery quality of life in traumatic couple of infidelity in Tehran. *JRH*. 2012; 1(1):54-63.
- 27- World Medical A. World medical association declaration of helsinki: ethical principles for medical research involving human subjects. *JAMA*. 2013; 310(20):2191-4.
- 28- Case B. Healing the wounds of infidelity
- 4- Stefano JD, Oala M. Extramarital affairs: Basic considerations and essential tasks in clinical work. *The Family Journal*. 2008; 16(1):13-9.
- 5- Aghagedi P, Golparvar M, Aghaei A. The effect of forgiveness based mindfulness therapy" and emotionally focused therapy" on forgiveness of women who damaged by their husbands' infidelity. *JHPM*. 2018;7(5):46-54.
- 6- Hawkins AJ, Willoughby BJ, Doherty WJ. Reasons for divorce and openness to marital reconciliation. *Journal of Divorce and Remarriage*. 2012; 53(6):453-63.
- 7- Asayesh MH, Farahbakhsh K, Salimi Bajestani H, Delavar A. Explanation of experiences and emotional reactions in women victims of infidelity: A qualitative study. *J Qual Res Health Sci*. 2018; 6 (4):355-72.
- 8- Guadagno RE, Sagarin BJ. Sex differences in Jealousy: An evolutionary perspective on online infidelity. *J Appl Soc Psychol*. 2010; 40(10): 2636-55.
- 9- Omarzu J, Miller AN, Schultz C, Timmerman A. Motivations and emotional consequences related to engaging in extramarital relationships. *Int J Sex Health*. 2012; 24(2): 154-62.
- 10- Navaei J, Mohammadi Arya A. Association between the early maladaptive schemes and extra marital relationship among married people. *IJPN*. 2016; 3(4):18-27.
- 11- Malek Zadeh Torkamani P, Aminpoor M, Bakhtiari Said B, Khalili G, davarniya R. The effectiveness of forgiveness-based intervention on couple burnout in women affected by infidelity of spouse. *Zanko J Med Sci*. 2018; 19 (60): 31-45.
- 12- Mohammadi M, Zaharakar K, Jahangiri J, Davarniya R, Shakarami M, Morshedi M. Assessing the efficiency of educational intervention based on Gottman's model on marital intimacy of women. *JHealth*. 2017; 8(1):74-84.
- 13- Haning RV. Intimacy, orgasm likelihood, and conflict predict sexual satisfaction in heterosexual male and female respondents. *J Sex Marital Ther*. 2007; 33(2): 93-113.
- 14- Adl HA, Shafi'Abadi A, Pirani Z. The effectiveness of group therapy based on quality of life on marital intimacy in infertile women. *J Arak Uni Med Sci*. 2017; 19 (10):59-71.
15. Khodabakhshikoolae A, Bahrami S, Rashtak H and Eglima M. The quality of love and sexual satisfaction survey among loyal and unfaithful

through the healing power of apology and forgiveness. *J Couple Relatsh Ther.* 2005; 4(2-3):41-54.

29- Harris AH, Luskin F, Norman SB, Standard S, Bruning J, Evans S, Thoresen CE. Effects of a group forgiveness intervention on forgiveness, perceived stress, and trait-anger. *J Clin Psychol.* 2006; 62(6):715-33.

30- Ripley JS, Worthington EL. Hope-focused and forgiveness based group interventions to promote marital enrichment. *J Couns Dev* 2002; 80(4):452-63.

31- Bahari F, Fatehizadeh M, Ahmadi SA, Molavi H, Bahrami F. The effect of hope, forgiveness and combined marital counseling on interpersonal cognitive distortions of divorcing couples. *J Res Behave Sci.* 2010; 8(1): 25-33.

32- Ghamari Givi H, Mohebbi Z, Sadeghi M. Efficacy of forgiveness therapy in reducing aggression and promoting forgiveness in male juvenile in Tehran correctional and rehabilitation centre. *J Mazandaran Univ Med Sci.* 2014; 24(114):163-8.

33-Hamidipour R. Effect of group counseling based on forgiveness on marital satisfaction. *Psychology and Religion.* 2010; 3(1):107-23.